**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه سی و هشتم\_ 18 آذر 1399**

[تاریخچه ورود]

اگر چه ما بعدا هم اشاره خواهیم کرد در بررسی تاریخچۀ اصطلاح ورود ان شاء الله خواهیم گفت ما در سخن شیخنا الانصاری و حتی بعض از تلامذۀ ایشان، بحث ورود به توسعه ندیده اییم، آنچیزی را که دیروز از حضرت آقای سیستانی نقل کردیم در مورد ورود به توسعه این بود که شما یک قاعده ایی دارید به نام صحت عقاب مع البیان. حال ادلۀ حجیت حجج مثل خبر ثقه موضوع برای بیان درست می کند و فردی را برای قاعدۀ صحت عقاب مع البیان. ورود بالتوسعه می شود.

[مرحوم آخوند اولین اشاره کننده به ورود بالتوسیع]

مرحوم آخوند رضوان الله تعالی علیه، در حاشیۀ رسائل بحث تعادل وتراجیح در همان صفحات اولیه می گوید ما حکومت بالتضییق داریم، حکومت بالتوسعه داریم، **هذا و لا یخفی انّ الوارد ایضاً کما یوجبُ الإخراج موضوعه حقیقتا کذا یوجب ادخاله کذلک کما ان ادلة الامارات مخرجة لما قامت الامارات علیها من التکالیف من تحت الاصول العقلیة و مدخلة الیها فی تحت حکم العقل بلزوم اطاعة و تنجز التکلیف بحیث یعاقب علی مخالفته لوکان فی المورد واقعا فلا تغفل**

می گوید در هر ورودی شما یک تضییق و اخراج مشاهده می کنید، و توسعه و ادخال، اما تضییق شما ادلۀ حجیة امارات کخبر الثقة را مشاهده کنید، با برائت عقلیه، قبح عقاب بلا بیان، ولی قبح عقاب بلا بیان را مطرح می کنید شما باشید و همین قاعده می گویید خب هر جا بیان نبود عقاب صحیح نیست، در جایی هم که اماره ایی هست ولی اماره حجت نشده است پس بیان نیست، بیان که نبود قبح عقاب بلا بیان ساری و جاری است. حال ادله ایی آمد، امارات را حجت کرد، این دلیلی که می آید اماره را حجت می کند، دائره قبح عقاب بلا بیان را تضییق می کند، دیگر نمی توانید بگوید حتی با وجود اماره عقاب صحیح نیست. دیگر این را نمی گویید. این یک ورود بالتضییق است، که می توان ورود بالتوسعه را هم با همین دو نمونه تبیین کرد.

ما قاعدۀ عقلیه ایی داریم و آن صحت عقاب مع البیان است، و ان شئتَ فقل، تنجز تکلیف مع البیان، و ان شئتَ فقل لزوم الاطاعة مع البیان، اگر دلیل حجیة امارات را نداشتیم، ما بودیم و اماره ایی دال بر حرمت شرب توتن نمی گفتیم عقاب در شرب توتن صحیح است، نمی گفتیم تکلیف منجز است، نمی گفتیم اطاعت لازم است، اما وقتی ادلۀ حجیت امارات پیدا شد، مصداقی برای بیان در قاعدۀ صحت عقاب مع البیان درست شد. مصداقی برای تکلیف تنجز یافته درست شد، مصداقی برای جایی که اطاعت لازم است، درست شد، این مصداق به چه وسیله درست می شود؟ به وسیلۀ آن دلیلی که اماره را حجت قرار داد، پس ما یک ورود بالتضییق داریم که مورد را از تحت یک دلیل خارج می کند واقعا بالتعبد، یک ورود بالتوسعه داریم که مورد داخل می کند واقعا بالتعبد.

این اولین جای که حقیقت ورود بالتوسعه را یافته ام. در کلمات مرحوم آخوند آن هم در حاشیۀ رسائل.

اما به قول حضرت آقای سیستانی درست است که دو ورود داریم، ورود بالتوسعه و ورود بالتضییق، اما بحث ما در سنجش بین ورود و تعارض ورود بالتوسعه مراد نیست، چون ورود بالتوسعه ایجاد فرد للعام هست، تصور تعارض در این جا نیست، چنان که در حکومت بالتوسعه هم ایشان، یعنی حضرت سیستانی فرمود، تعارضی نیست. لذا ورود بالتوسعه از بحث ما خارج است، **فیختص بحثنا فی الورود التضییقی**،

[تعریف ورود]

حال تعریف ایشان از ورود تضییقی چیست؟

**و هو عبارة عن إخراج فرد من کبری عقلیة او شرعیه، اخراجاً تکوینیاً**،

روی این کلمۀ تکوینی یک علامت سوال بگذارید ببینیم این در کلمات مثل شیخ و تلامذه شیخ سابقه دارد یا ندارد.

**اخراجا تکوینیا و لکن بمؤنة التعبد**.

ورود همان تخصص هست، منتهی خروج مصداقی از تحت عمومی تخصصا محتاج به تعبد نیست، اما خروج فردی از یک کبری اگر محتاج به دلیل بود، اگر محتاج به تعبد بود، اگر آن اخراج به مؤونة تعبد تحقق پیدا کرد، نامش ورود است. اگر یک کبرایی را فرض کنید، چه این کبرا به حکم عقل باشد، کبرا عقلیه، چه این کبرا به حکم شرع باشد، کبرا شرعیه، اگر یک فردی از تحت این کبرای عقلی یا شری خارج شد، خروجا واقعیا تکوینیا عما بمونة التعبد، نامش را ورود تضییقی بگذار.

چنان که گفتیم مثالش همان ادلۀ حجیت حججی مثل خبر ثقه است. آن خبری که می گوید الخبر الثقة حجة آن را در نظر بگیرید و بسنجید با قاعدۀ قبح عقاب بلا بیان. در ورود بالتوسعه با صحت عقاب مع البیان سنجیدید، این جا با قبح عقاب بلا بیان بسنجید. اگر شما باشید و فقط قبح عقاب بلا بیان و در قاموس شما اماره جایگاهی نداشته باشد، باز هم می گوییم قبح عقاب بلا بیان، چون اماره جایگاهی ندارد امان نیست اما آمد گفت صدق العادل، آمد و گفت الخبر الثقة حجة این در حقیقت می گوید الخبر الثقة بیان، **و البیان اعم من الوجدانی و الشرعی**. پس اگر اماره ایی گفت شرب التوتن حرام شما بیان شرعی دارید، بر حرمت شرب توتن و این بیان شرعی­تان را ادلۀ حجیت اماره درست کرده است، پس دیگر عقاب بلا بیان نخواهد بود، این مورد از تحت قاعدۀ عقاب بلا بیان خراج کردیم، حا ببینم چه شباهتی بین ورود و تعارض هست، چه اختلافی بینشان هست، چه در این قضیه باید بگوییم، بحثهای مفصلی در این قضیه ان شاء الله مطرح خواهم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .